

عدالت انتقالی در قرآن مجید

مهدی ذاکریان

دکتر مهدی ذاکریان، استاد مدعو دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا
هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات mzakerian@law.upenn.edu

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۱۷

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۶۵-۱۷۹.

دیباچه

به سال ۲۰۰۵ میلادی در بنیاد دانشگاهی اروپایی بروکسل برابر برنامه‌ای که پیش‌بینی شد طی چند جلسه عدالت انتقالی را برای همکاران خویش از دانشگاه‌های گوناگون دنیا بحث و تدریس کردم و همانجا به موضوع پیشینه عدالت انتقالی در ایران باستان پرداختم. در سال ۲۰۰۸ هنگامی که ویراستار و نویسنده کتاب عدالت سیاسی و اسلام درباره پروژه پژوهشی خویش، ابعاد و اهمیت آن با من گفت‌وگو کرد و به ویژه طی فرصت مغتنمی که طی مرداد تا مهر سال ۱۳۸۷ برای دوبار مطالعه عمیق و دقیق کلام پروردگار قرآن مجید پیش آمد، به این فرضیه دست یافتم که معارف بسیار غنی حقوقی و سیاسی در نص قرآن کریم وجود دارد که بسیاری از یافته‌های حقوقی - سیاسی جهان مدرن اندک‌اندک و پس از کسب تجربه و آزمون و خطا به همان‌ها دست می‌یابند. آنچه دارای اهمیت است اینکه بزرگ‌ترین خلأ ما برای پیشی گرفتن از دنیای مدرن در این است که آنها برپایه تجربه و استقراء طی گذر زمان و برپایه آزمون و خطا به این مدل‌ها دست می‌یابند و ما به جای تعمق در معارف اصیل خویش و یافتن پاسخ برای پرسش‌ها و شبهه‌های روز، تنها - به‌مانند شیخ یوسف قرضاوی (از دانشمندان بزرگ جهان اسلام) - به این ادعا بسنده می‌کنیم که: «اینها که چیزی نیست، در اسلام هم از این بحث‌ها آمده است.»

در واقع به جای ارائه نظریه‌های تازه، پاسخگو، حل‌المسائلی و مقبول در مقام رویارویی با پیشرفت‌های باخترزمین، به ادعای وجود همان یافته‌ها بسنده می‌کنیم. بر این باورم که ما در استخراج و تولید متون تازه و ارائه نظریه از قرآن کریم در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق والدین، سالمندان و از کارافتادگان، حق کار، حق جهانگردی و حقوق جهانگردان، حق پرستش و ستایش در ادیان، حق مهاجرت،

پناهجویی، عدالت انتقالی، حقوق جزا و غیره، همه تلاش خود را به کار نمی‌گیریم. یکی از این موضوعات به ادعای نگارنده موضوع عدالت انتقالی است که بنده در این زمینه به طور ویژه شماری از آیه‌های سوره شوری را مؤثر یافتم و تلاش کردم تا به طور ضمنی هدف، تعریف، تعامل، و تفاوت‌های آن را با ادبیات عدالت انتقالی که امروزه در برخی از دانشگاه‌های کشورهای باخترزمین به آن پرداخته می‌شود، تبیین نمایم.

پرسش کلیدی پژوهشگر این نوشتار، چرایی به‌کارگیری عدالت انتقالی به عنوان سرلوحه زندگی و گذار به معاد برای انسان در قرآن مجید است؟ به همین روی فرضیه پژوهش این است که قرآن مجید عدالت انتقالی را به عنوان یکی از پایه‌های سلامت معنوی و اخلاقی جوامع در حال‌گذار و پس از جنگ به منظور خدامحوری شدن آن جوامع مدنظر قرار می‌دهد. برای آزمون این فرضیه از متن قرآن کریم و به‌طور ویژه از آیات سوره شوری بهره برده‌ایم و این پژوهش تنها نص محور است. روش پژوهش، تحلیل محتوا و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و متون نوشتاری است. نبود منابع مرتبط با موضوع و ادبیات محدود علمی در این زمینه، همچنین اندک بودن ادبیات عدالت انتقالی در کشور از محدودیت‌های کنونی این مقاله در کشور است که با نگارش این پژوهش و انجام دیگر پژوهش‌ها در آینده، به تدریج می‌تواند کاهش یابد. لازمه چنین امری به باور نگارنده آغاز پژوهش در این زمینه، معرفی موضوع، ارائه مقاله‌های کوتاه و آنگاه برگزاری سمینارهای علمی است. شاید در زمینه سمینارهای علمی در این موضوع، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل بتواند مؤثر باشد.

چیستی عدالت انتقالی

برای شناخت عدالت انتقالی نیازمند تعریف کوتاهی از حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستیم. در حقوق بشر، هر آنچه بایستی برای هر فرد در طی حیات وی انجام بشود و نشود و در هر جا و مکان و فارغ از هر نوع وابستگی و پیوستگی‌ها مانند جنسیت، نژاد، زبان و رنگ مدنظر است. مجموعه این بایدها و نبایدها یعنی حقوق بشر. آنچه باید بشود مانند: حق آموختن و آموزش، حق کار و تأمین اجتماعی، حق

بهداشت، حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق پیشرفت^(۱) و همچنین حق رفاه. و آنچه نباید انجام شود مانند: بردگی، نقض آزادی بیان، بیان، شکنجه، مجازات مرگ و نقض دیگر حقوق مدنی و سیاسی.^(۲) ضمن اینکه حقوق بشر در هر برهه‌ای چه جنگ و چه صلح؛ پایدار و جاری و مورد احترام است.

از سوی دیگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه را دارید که بیشتر مربوط به جنگ است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هر آنچه هنگام جنگ در صحنه نبرد و کارزار نسبت به افراد نظامی و غیرنظامی نباید انجام داد در برمی‌گیرد. اینکه غیرنظامیان از پشتیبانی‌های ویژه‌ای چون مصونیت، حمایت و ضمانت برخوردار می‌شوند. و یا اینکه سربازان و رزمندگان جنگی در خارج از نبرد و یا در مکان‌هایی مانند بیمارستان و آمبولانس و یا در وضعیت‌هایی مانند بیماری و جراحت، اسارت و مانند اینها از مصونیت، حمایت و ضمانت برخوردار می‌شوند.^(۳) با توضیحات ارائه شده، حقوق بشر در همه‌جا، برای همه‌کس و در هر برهه‌ای دارای روایی است ولی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها در برهه‌های نبرد، جنگ و درگیری و تنها برای افراد ویژه‌ای و در زمان ویژه‌ای روایی و اعتبار دارد. بدین‌روی باید تلاش نمود تا در هنگام صلح حقوق بشر را رعایت نمود و در هنگام جنگ حقوق بین‌الملل بشردوستانه. اینها یعنی برنامه‌های حال و آینده، حال اگر افراد در گذشته طی زمان‌ها و مکان‌های خاصی، و در یک برهه تاریخی قبلی از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بهره‌مند نبودند و یا قربانی نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قرار گرفتند؛ چه باید کرد؟ اینجا است که عدالت انتقالی به یاری آنها آمده و نه تنها اکنون و آینده آنها برپایه بهره‌مندی از حقوق بشر، صلح و تضمین رفاه قرار می‌گیرد، بلکه باید خاطرات سیاه گذشته را نیز جبران نماید. به عبارت دیگر با عدالت انتقالی، ضمن اینکه آنچه امروز همگان از آن بهره می‌برند قربانیان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه باید از آنها بهره ببرند، بلکه باید با عدالت انتقالی مزایا و ویژگی‌هایی که آنها در گذشته نداشتند به گذشته آنها بی که در فشار و شکنجه و نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار داشتند نیز سرایت یابد. به گونه‌ای که گذشته آنها جبران شود و در ضمن از این طریق جامعه برای گذار به یک جامعه حق مدار، صلح جو و آرام آماده شود. به عبارتی، عدالت انتقالی مربوط به

جوامعی است که در حال گذار از جنگ یا از یک رژیم اقتدارگرا به یک نظام دموکراتیک،^(۴) مردمی، حقوق بشری و انسان‌محور هستند. بنابراین، انگیزه اصلی از عدالت انتقالی، استقرار صلح پایدار و دموکراسی مطمئنی است که به مردم یک کشور آرامش همیشگی را هدیه کند و گذشته تاریک آنها را محو و جبران سازد.

مروری دوباره بر ادبیات و متون ارائه شده از عدالت انتقالی شامل تعریف، توصیف و تبیین آن، نشان‌دهنده این موضوع است که عدالت انتقالی به مجموعه‌ای از رهیافت‌هایی برمی‌گردد که جوامع را از نقض حقوق بشر، خشونت و درگیری؛ به سوی صلح، دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به افراد و حقوق جمعی هدایت می‌کند.^(۵) چنین تعریف و تبیینی برپایه یک پژوهش مبتنی بر روش تحقیق از عدالت انتقالی، در قرآن نیامده است. به این موضوع حتی در فقه اسلامی نیز توجه نشده است. زیرا قرآن مجید، کلام خداوند و سخن پروردگار برای مجهولات بشری است که دربرگیرنده بسیاری از بایدها و نبایدها همراه با ارائه یک سلسله مباحثی در قالب تاریخ، عبرت‌ها و پندها است. فقه نیز با بهره‌گیری از منابع خاصی درصدد تعریف زندگی شریعت‌مدارانه است. حال آنکه عدالت انتقالی یک موضوع نوین حقوقی با تکنیک‌های خاص خود است. با این همه به باور نگارنده موضوع عدالت انتقالی به واسطه قرآن مجید قابل فهم، تعریف و ارائه است. عدالت انتقالی که از قرآن مجید می‌توان تعریف کرد از بایدها و نبایدهایی بیرون می‌آید که در این پژوهش در بخش آتی با تأکید و توجه صرف به سوره شوری به دست آمده است.

اهداف عدالت انتقالی

اهدافی را که می‌توان برای عدالت انتقالی برشمرد عبارتند از: برخورد با میراث سنگین سوءاستفاده گسترده از عدالت جزایی، نگاه به نوعی عدالت جبرانی و ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی^(۶) تا یکایک افراد جامعه بدانند که آینده‌ای مطمئن همراه با کنترل معیارهای حقوق بشر را باید ساخت. به همین روی، هدف اصلی عدالت انتقالی کمک به از بین رفتن هرگونه سوءاستفاده از عدالت کیفری و برقراری عدالت اجتماعی پایدار است. همچنین ایجاد مسئولیت برای ارتکاب جرایم انجام شده در گذشته و پیش‌بینی

اینکه نقض برخی از قواعد حقوق بشر و قربانی کردن افراد یک جرم بین‌المللی و فراملی است.^(۷) بنابراین، اگر بخواهیم اهداف عدالت انتقالی را برشماریم عبارتند از:

۱. مشخص کردن نقض حقوق بشر صورت پذیرفته در گذشته؛
۲. بررسی و تبیین جرایم؛
۳. شناسایی مسئولان و مرتکبین نقض حقوق بشر؛
۴. مجازات مسئولان نقض حقوق بشر،
۵. تخصیص غرامت به قربانیان نقض حقوق بشر و ممانعت از تکرار نقض حقوق بشر؛

۶. ممانعت از تکرار نقض حقوق بشر در آینده؛

۷. بازسازی و ترمیم روابط میان شهروندان و حکومت‌ها؛

۸. حمایت و تحکیم صلح و دموکراسی؛

۹. تشویق و ترغیب به سازش و همزیستی در سطح فردی و ملی.^(۸)

در واقع رهیافت‌های عدالت انتقالی برپایه باور بنیادی نسبت به جهان‌شمولی حقوق بشر قرار دارند و مبتنی بر قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند که منجر به کنترل، تنبیه، جبران و پیشگیری از سوءاستفاده دولت‌ها در این زمینه می‌شوند.^(۹)

نکته‌ای که باید در تمایز بین اهداف عدالت انتقالی در شماری از دانشگاه‌های باخترزمین و آموزه‌های قرآن مجید مدنظر قرار داد این نکته است که هدف در عدالت انتقالی باخترزمین احاطه بر دولت‌ها و به تبع آن تابعان دولت شامل افراد، گروه‌ها، جمعیت و ملت است. ممکن است به واسطه عدالت انتقالی این تابعان تحت کنترل، تنبیه، جبران و یا پیشگیری از تکرار دوباره نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار گیرند. به واسطه چنین موضوع و تابعانی، عدالت انتقالی ممکن است که در واقع بیشتر با موضوع منافع و انگیزه‌های غیرمفید روبه‌رو شود.^(۱۰) حال آنکه قرآن مجید آن‌گونه که در بخش‌های آتی خواهد آمد هدف را در تحول و خدایی شدن فرد و به تبع آن جامعه و به عبارت امروزی کشور می‌بیند. این تفاوت هدف سبب می‌شود تا عدالت انتقالی در قرآن مجید را بیشتر روحانی و معنوی ببینیم حال آنکه عدالت انتقالی

در باخت‌زمین اهداف مادی و ملموس و فوری دارد.

سازوکار عدالت انتقالی

عدالت انتقالی، اساساً روی پنج سازوکار حقوقی اصلی قرار می‌گیرد که عبارتند از:

۱. دادگاه‌ها؛ شامل دادگاه‌های مدنی یا کیفری، ملی یا بین‌المللی و داخلی یا خارجی که هر یک خود یا دائمی‌اند یا موقتی؛ و به دعاوی رسیدگی می‌کنند.
۲. تحقیق که دربرگیرنده بررسی‌های ملی رسمی مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، کمیسیون‌های تحقیق بین‌المللی، سازوکارهای تحقیق و حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد با همکاری سازمان‌های بین‌المللی غیرحکومتی است؛
۳. جبران غرامت که دربرگیرنده غرامت‌های تکمیلی، تشویقی و سمبلیک به منظور جبران خسارت‌های مادی یا ایجاد سازش است؛
۴. اصلاحات حقوقی و قضایی^(۱۱) که دربرگیرنده اصلاحات محتوایی و شکلی است که در شق نخست اصلاحات قانونی، رویه‌ای و آیین‌نامه‌ای و در شق دوم دربرگیرنده اصلاحات نهادی و ساختاری است؛
۵. عفو که به کسب مصونیت یا بخشش از قانون قابل اجرا گفته می‌شود که از سوی یک دولت به یک دسته معینی از افراد برای یکسری اعمال معین از سوی فرد یا دست‌های از افراد داده می‌شود. در واقع عفو ابزارهای استثنایی برای حل یک وضعیت خارق‌العاده یا یک مرحله از زندگی یک ملت است.^(۱۲) برپایه سازوکارهای یادشده در واقع ایده عدالت انتقالی تمرکز بر نیازهای قربانیان حقوق بشر و بستگان آنها است. آنهایی که خاطره‌های ناخوشایندی از زندگی خویش دارند و مورد آسیب‌های جدی جسمی، روحی و روانی قرار گرفته‌اند. عدالت انتقالی صدای قربانیان حقوق بشر و پاسخ به نیازهای آنها است. حال آنکه قرآن مجید همان‌گونه که در بخش آتی خواهد آمد از شماری از سازوکارهای یادشده به منظور هدف گسترده‌تری بهره می‌برد.

آموزه‌های قرآن مجید

قرآن مجید در موضوعاتی که امروزه با عنوان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از آنها یاد می‌شود دو نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد: نخست مبارزه با ستم و دوم برپایی

دادگستری به گونه‌ای که یکی از مأموریت‌های رسول اکرم (ص) حکم به عدالت و عدم سکوت در برابر ستم است. ضمن اینکه پیشگیری از عدم رعایت این امر با تذکر نسبت به روز جزا یا معاد نیز تضمین می‌شود. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

«... و مأمورم کرد میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست و پس از تبلیغ رسالت، هیچ حجت و گفت‌وگویی بین ما و شما باقی نیست. خدا در روز جزا میان ما جمع کند و به سوی او همه باز می‌گردیم.»^(۱۳)

در آیه یادشده ضمن اینکه نتیجه عمل هر فرد به خود آن فرد برمی‌گردد (یعنی سازوکار دنیایی) به نوعی با اهرم آخرت نیز هشدارهایی ارائه می‌شود. به عبارت دیگر صور آیه مؤید سازوکارهای دنیایی عدالت انتقالی است که می‌تواند دربرگیرنده سازوکارهایی مانند دادگاه مجازات، قصاص، دیه، حد و مانند اینها باشد. حال آنکه ذیل آیه یک اطمینان و هشدار اخروی است که می‌تواند نقش پیشگیرانه از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را ایفا کند.

همچنین خداوند درباره همین بخش اخیر که متضمن نوعی عمل پیشگیرانه است می‌فرماید:

«خداست آنکه کتاب آسمانی را به حق برای اجرای عدالت فرستاد و تو چه می‌دانی ممکن است ساعت قیامت بسیار نزدیک باشد.»^(۱۴)

به علاوه قرآن درباره عدم سکوت در برابر ستم و رویارویی با ستم به منظور عمل فوری و دنیایی برخورد با نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌فرماید:

«خدا دوست نمی‌دارد که کسی به عیب خلق صدا بلند کند مگر آنکه ستمی بدو رسیده باشد و هرگاه از دست ظالم فریاد و دادخواهی کند و زشتی عمل او را فاش گوید در این صورت رواست که خدا شنوا به اقوال و دانا به احوال بندگانش.»^(۱۵)

آنچه در آیه‌های یادشده مورد توجه قرار گرفته اجرا و اعمال میزان و عدل برپایه

خواست پروردگار متعال است. بدین‌روی آیه‌های قرآن در زمینه اجرای عدالت و مبارزه با ستم مبتنی بر ساخت فرد و انسان و خدامحوری اوست. در واقع برپایه ایمان به پروردگار و حقیقت ذات‌الوجود است که آفریدگان پروردگار دارای ارزش و ذات آنها برای دستیابی به حقیقت زندگی ارزشمند می‌شود. به همین دلیل برخلاف عدالت انتقالی باخت‌زمین که هدف آن تنها پیوند زندگی مناسب کنونی فرد با گذشته فرد برپایه انسان‌محوری و حقوق بشر و کنترل فرد و دولت است و تنها گذار از یک نظام اقتدارگرا به یک نظام دموکراتیک را مورد توجه قرار می‌دهد، برپایه سوره شوری، از منظر پروردگار، هدف، الهی شدن فرد در مبارزه با ستمگری و اجرای عدالت در معاد و قیامت است. اگر امری را نیز به‌طور فوری در این دنیا مورد توجه قرار می‌دهد به منظور روحانی شدن و معنوی شدن فرد و جامعه است.

با این همه، قرآن مجید به شیوه‌ای خاص شماری از تکنیک‌های عدالت انتقالی را که دنیای مدرن کنونی برپایه انسان‌محوری بدانها دست یافته‌اند، در سازوکارهای خدامحوری خویش به کار می‌گیرد که در واقع باید گفت بخشی از اهداف عدالت انتقالی دنیای مدرن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. ضمن اینکه شیوه به‌کارگیری آنها به گونه‌ای است که نافی معاد یا روز جزا که از پایه‌های خدامحوری است، نیست. به عنوان مثال قرآن درباره تکنیک عفو می‌فرماید که پروردگار این موضوع را با دیدگاه مثبت می‌پذیرد:

«و اوست خدایی که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهانشان را می‌بخشد و هر چه کنید می‌داند.»^(۱۶)

که برپایه این آیه، پروردگار به عنوان یک الگوی آموزش‌دهنده خود در وهله نخست توبه‌پذیر است و سپس بخشاینده و عفوکننده نسبت به آنها که از اعمال سیاه خود روی گردانیده‌اند. همچنین:

«و آنچه از رنج و مصائب به شما می‌رسد همه از دست اعمال زشت شماست در صورتی که خدا بسیاری از اعمال بد را عفو می‌کند.»

بدین‌روی چنین ویژگی «خدا محور» یادآور آن است که پروردگار همواره در مقام عفو قرار دارد. این الگو در مؤمنین واقعی که از گناهان بزرگ و همچنین زشتکاری پرهیز می‌کنند نیز وجود خواهد داشت و آنها نیز برپایه الگوپذیری از پروردگار خویش، عفو را نسبت به هم‌نوعان خویش اعمال خواهند کرد. به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید که:

«و آنان که از زشتکاری و گناهان بزرگ می‌پرهیزند و چون بر کسی خشم و غضب بگیرند بر او می‌بخشند.»^(۱۷)

ضمن اینکه در موضوع عدالت انتقالی ما در کنار عفو با بخشش نیز روبه‌رو هستیم. در واقع تفاوت بسیار ظریفی میان عفو و بخشش وجود دارد و آن اینکه بخشش معمولاً پس از طی مرحله قضایی انجام می‌شود. در حالی که عفو پیش از طی مراحل دادرسی است. اتفاقاً در قرآن کریم علاوه بر عفو به موضوع بخشش نیز پرداخته شده است. به عبارتی در قرآن نیز به این تفاوت ظریف حقوقی و تکنیک قضایی توجه شده است. این ذیل مؤید این نکته است که پس از ظلم و در مقام ذی‌حق می‌توان از تکنیک بخشش بهره برد و این تکنیک مانند عزم در امور الهی است.

«و هر که به ظلم کسی صبر کند و با قدرت انتقام ببخشد این مقام بردباری است که عزم در امور الهی است.»^(۱۸)

همچنین قرآن کریم در سوره شوری به موضوع سازش و میانجیگری که یکی دیگر از تکنیک‌های کنونی جهان مدرن در موضوع عدالت انتقالی است می‌پردازد:

«انان که چون ظلمی بر آنها هجوم کند از مؤمنان یاری می‌طلبند.»^(۱۹)

که این طلب یاری نه تنها برای رویارویی که گاه برای آرام‌سازی طرفین دعوا و سازش میان طرفین است. کما اینکه رسول اکرم (ص) چه در هنگام نبوت و چه پیش از آن چنین می‌نمود و قرآن نیز در آیه یادشده همین موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد. به علاوه، در کنار تکنیک‌های یادشده، دادگاه و مجازات مرتکبین گناه و ستم نیز مورد توجه قرآن در سوره شوری قرار گرفته است. در آیه‌های چهلم و چهل و یکم این

فرایند قضایی مورد توجه واقع می‌شود:

«و انتقام بدی مردم به مانند آن بد رواست [نه بیشتر] و باز اگر کسی در گذشته بین خود و دشمن اصلاح کرد اجر او بر خداست و خدا هیچ ستمکاران را دوست نمی‌دارد و هرکس پس از ظمی که به او رفته برای انتقام یاری طلبد بر او هیچ مؤاخذه‌ای نیست.»^(۲۰)

که در این آیه تکنیک یادشده (دادگاه) در کنار سازش و میانجیگری به شیوه توأمان مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین آیه ۴۲ درباره تحت پیگیری قرار دادن افراد ستمکار و ظالم هم دادگاه این دنیا و هم دادگاه آخرت یعنی معاد را مورد توجه قرار می‌دهد که این امر مرحله‌ای قوی‌تر و پیشرفته‌تر از تکنیک‌های عدالت انتقالی دنیای مدرن محسوب می‌شود:

«تنها راه مؤاخذه بر آنهایی است که به مردم ظلم کنند و در زمین به ناحق شرارت انگیزند بر آنها در دنیا انتقام و در آخرت عذاب دردناک است.»^(۲۱)

در واقع آیه یادشده بیانگر دو دادگاه است که به باور مرحوم علامه طباطبایی در مرحله نخست اثر دنیایی و گذرای آن با یک دادگاه دنیوی مورد داوری قرار می‌گیرد و آنگاه در معاد اثر روحی پایدار آن سبب‌ساز جزای بی‌پایان نزد پروردگار می‌شود،^(۲۲) مگر اینکه فرد به‌طور واقعی و عملی تا هنگام مرگ در تلاش جبران عمیق آنچه کرد برآید. دیگر انگیزه‌ای برای تکرار آن رفتار را نداشته باشد و از ته قلب توبه کرده و در نقل و عمل نیز این توبه خود را نشان دهد. به همین دلیل، موضوع روز جزا و معاد با این شرط مورد تأکید قرار می‌گیرد که تا آن روز فرصت دارید تا دعوت پروردگار را اجابت کنید.

«باز ای بندگان عاقل دعوت خدای خود را اجابت کنید پیش از آمدن روزی که در آن نه از قهر خدا نجاتی یابید و نه ملجأ و پناهی در آن روز دارید و نه از عذابی که به کرده خود مستحق آن شدید کسی که از شما دفاع و انکاری تواند کرد.»^(۲۳)

امروزه عدالت انتقالی نیز به این نکته اشاره می‌کند که برای طی مرحله گذار، جوامع

باید با گذشته خود مبارزه کنند تا مفهوم مقدسی از دادگری برای همه شهروندان پدید آید. در هنگام چنین پیشرفتی یک اعتماد نوین ملی برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های آتی نیز پدید می‌آید.^(۲۴)

دستاورد

گفتمان عدالت انتقالی آن‌گونه که در باخترزمین به پیش رفته در دیگر کشورها ریشه و پیشینه ندارد. با این همه، زمینه‌های فکری و مصداقی آن را می‌توان با تعمق و تدبر در فرهنگ‌ها و آیین‌های گوناگون بشری یافت. در این راستا بررسی آیه‌های سوره شوری نشان از آن دارد که قرآن مجید عدالت انتقالی را با هدفی برتر برای پیروان خویش مدنظر دارد. خدامحوری و انسان‌محوری به گونه‌ای توأمان از اهداف مدنظر در سازوکارهای عدالت انتقالی در قرآن هستند که ضمانت پایدار آن، پیوند عدالت انتقالی در دنیای کنونی با معاد و روز جزا است. در واقع اگر عدالت انتقالی باخترزمین تنها گذشته قربانیان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و گذار از یک نظام یا دولت اقتدارگرا به یک نظام دموکراتیک و مبتنی بر صلح را مدنظر قرار می‌دهد، قرآن مجید هدفی برتر را دنبال می‌کند. در عدالت انتقالی باخترزمین علت نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و گذار به دموکراسی و جامعه آزاد و مبتنی بر آرامش و تسامح و تساهل مورد توجه قرار می‌گیرند حال آنکه برپایه چیدمان قرآن مجید در وجه نخست ستم را نباید پذیرفت و آنگاه دادگری و دادگستری را برپا ساخت و در پی آن با معاد به ضمانت اخروی آن نیز مهر تأیید نهاد. به عبارتی قرآن مجید برای تأسیس یک جامعه آرمانی اسلامی که نام نوین آن جامعه مدنی اسلامی است به ریشه، گذار و ضمانت این جامعه هریک همراه با یکدیگر توجه می‌کند. چنین شیوه‌ای، تحول و رشد در یک جامعه را همیشگی و ابدی نموده و فروغ ایمان و تقوی را قوت می‌بخشد. اگرچه عدالت انتقالی آن‌گونه که از قرآن مجید می‌توان استنباط کرد در حوزه کاربرد و اجرا، تعریف و عملیاتی نشده ولی می‌تواند موضوع بنیادی برای شناخت و نظریه‌سازی در این موضوع و آنگاه کاربرد و اجرا باشد. ❁

منابع:

قرآن کریم

علامه طباطبائی، محمدحسین، ظهور شیعه، تهران: فقیه، ۱۳۶۰.

1. *A Voice for Victims*, New York: International Institute for Transitional Justice, 2009.
2. Charles Villa-Vicencio, *Les Ressources de La transition*, Le cap: Institut Pour La justice et la reconciliation, 2005.
3. Collection Documents europeens, *Droits de l'homme en droit international*, Strasbourg: Les editions du conseil de l'europe, 2007.
4. Erik Dontader, *L'ammistite*, Afrique du Sud: Institute for Justice and Reconciliation, 2005.
5. ICRC, *The Geneva Convention 1949 and Its Additional Protocols*, Geneva: ICRC publication , 2008.
6. Jon Elster, *Transitional Justice in Historical Perspective*, New York: Cambridge University Press, 2004.
7. Mark Freeman, *Qu' est que la justice transitionnelle?* New York: Institute de la justice transitionnelle, 2005.
8. Mehdi Zakerian, *Qu'est-ce que la justice transitionnelle?*, Dicours presente a la foundation universitaire europeennes a Bruxelles, December 2005.
9. United Nations, *The International Covenant on Civil and Political Rights*.
10. United Nations, *The Universal Declaration of Human Right*, New York: United Nations Publications, 2009 (reprinted)

پی‌نوشت‌ها:

۱. در این پژوهش برگردان پارسی واژه لاتین development برابر با پیشرفت است.
۲. برای آگاهی درباره چگونگی شکل‌گیری حقوق بشر و آنچه حقوق بشر مدنظر قرار می‌دهد بنگرید به:

United Nations, *The Universal Declaration of Human Right*, New York: United Nations Publications, 2009 (reprinted)
 United Nations, *The International Covenant on Civil and Political Rights*.
 Collection Documents europeens, *Droits de l'homme en droit international*, Strasbourg: Les editions du conseil de l'europe, 2007.

۳. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به:

- ICRC, *The Geneva Convention 1949 and Its Additional Protocols*, Geneva: ICRC Publication, 2008.
4. Charles Villa-Vicencio, *Les Ressources de La transition*, Le cap: Institut Pour La justice et la reconciliation, 2005
 5. *A Voice for Victims*, New York: International Institute for Transitional Justice, 2008.
 6. Mark Freeman, *Qu' est que la justice transitionnelle?* New York: Institute de la justice transitionnelle, 2005.
 7. *Ibid.*
 8. Mehdi Zakerian, *Qu'est-ce que la justice transitionnelle?*, Dicours presente a la foundation universitaire europeennes a Bruxelles,
 9. *A Voice for Victims*, *op.cit.*
 10. Mark Freeman, *op.cit.*, p.1.
 11. Erik Dontader, *L'ammistite*, Afrique du Sud: Institute for Justice and Reconciliation, 2005.

همچنین بنگرید به:

Jon Elster, *op.cit.*, p.88.

۱۲. «وامرت لا عدل بینکم الله ربنا و ربکم لنا اعمالنا و لکم اعمالکم لا حجه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر»، شوری (۴۲): ۱۵، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: نشر سبحان، ص ۶۵۱.
۱۳. «الله الذی انزل الكتاب بالحق و المیزان و ما یدریک لعل الساعه قریب»، شوری (۴۲): ۱۷، همان، صص. ۶۵۴-۶۵۳

۱۴. «لا يحب الله الجهر بالسوء نم القول الا من ظلم و كان الله سميعا عليما»، نساء، (٤): ١٤٨، همان، ص ص ١٣٥-١٣٤.
۱۵. قال الله تعالى «و هو الذي يقبل التوبه عن عباده و يعفو عن السيئات و يعلم ما تفعلون»، شوری، (٤٢)، ٢٥، همان، ص ٦٥٥.
۱۶. قال الله تعالى: «و ما اصابكم من مصيبه فبما كسبت ايديكم و يعفو عن كثير»، شوری (٤٢): ٣٠، همان، ص ٦٥٦.
۱۷. «والذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش و إذا ما غضبوا هم يغفرون»، شوری (٤٢): ٣٧، همان، ص ٦٥٧.
۱۸. «و لمن صبر و غفر ان ذلك لمن عزم الامور»، شوری (٤٢): ٤٣، همان.
۱۹. «والذين اذا اصابهم البغي هم ينتصرون»، شوری (٤٢): ٣٩، همان.
۲۰. «و جزاوا سيئه مثلها فمن عفا و اصلح فاجره على الله انه لا يحب الظالمين و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل»، شوری (٤٢): ٤١-٤٠، همان.
۲۱. «انما السبيل على الذين يظلمون الناس و يبغون في الارض بغير الحق اولئك لهم عذاب اليم»، شوری (٤٢): ٤٢. همان.
۲۲. بنگرید به: علامه طباطبائی، ظهور شیعه، تهران: فقیه، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰.
۲۳. «استجیبوا ربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله ما لکم من ملجأ یومئذ و ما لکم من نکیر»، شوری (٤٢): ٤٧، همان. ص ٦٥٨.
24. *A Voice for Victims*, New York: International Institute for Transitional Justice, 2009.